

رابطه مهارت های ارتباطی معلمان با انگیزه به مطالعه در دانش آموزان

ابتدایی کلاس ششم منطقه چهار تهران

سهیلا علیزاده^۱ و دکتر آریتا جویباری^۲

چکیده:

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی معلمان با انگیزه به مطالعه در دانش‌آموزان بود. بدین منظور از میان ۱۶۰ معلم و ۱۷۰۰ دانش‌آموز ابتدایی کلاس ششم منطقه ۴ تهران بر اساس جدول مورگان و کرجسی ۴۰۰ نفر (۳۰۰ دانش‌آموز و ۱۰۰ معلم) به روش تصادفی به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات برای مهارت‌های ارتباطی معلمان، پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی بارتون جی. ای (۱۹۹۰) بود. ابزار پژوهش در زمینه انگیزه مطالعه دانش‌آموزان پرسشنامه محقق ساخته‌ای بود که در دو مؤلفه مطالعه درسی و غیر درسی تنظیم شد و از نظر روایی متخصصین و پایایی (آلفای ۰/۷۴) مورد تایید قرار گرفت. فرضیه‌های تحقیق با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و نرم افزار SPSS بررسی شدند. نتایج نشان داد که یکی از مولفه‌های مهارت‌های ارتباطی یعنی گوش دادن ارتباط معناداری با انگیزه مطالعه نداشت، اما ۲ مؤلفه دیگر، یعنی مهارت بیان و بازخورددهی ارتباط معناداری با انگیزه مطالعه دانش‌آموزان داشتند. به‌طور کلی مهارت‌های ارتباطی معلمان نیز با انگیزه مطالعه دانش‌آموزان ارتباط معناداری داشت، که این ارتباط بیشتر در سطح مطالعه درسی بود و در زمینه مطالعه غیردرسی ارتباط معناداری دیده نشد. در نتیجه طبق یافته‌های پژوهش معلمان توانسته‌اند از قدرت کلام و بیان خود و همچنین مهارت بازخورددهی به صورت مؤثری در ایجاد انگیزه مطالعه دانش‌آموزان استفاده کنند.

کلمات کلیدی: مهارت ارتباطی، مهارت های ارتباطی معلمان، انگیزه

^۱ مدیریت آموزشی، واحد تهران غرب، دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ مدیریت آموزشی، واحد تهران غرب، دانشکده مدیریت دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

امروزه فرایند جهانی شدن، راه را به سوی جامعه‌ای دانش مدار می‌کشد که در آن دانش و اطلاعات، محور رشد و توسعه هر جامعه ای خواهد بود. بدیهی است رویارویی با چالش های جوامع دانش مدار، نیازمند بازنگری و طراحی مجدد نظامهای آموزشی و فرایند آموزش است (دلال^۱، ۲۰۱۵). از این رو، پژوهش و مطالعه دو نمونه از فرایندهای اساسی و ضروری عصر انفجار اطلاعات است. بعلاوه، این دو فرایند در زمره اهداف عالی نظام آموزشی هر جامعه‌ای نیز محسوب می شوند و منشاء تحول و تغییرات بنیادی در زمینه های مختلف است (گارتمیر^۲ و همکاران، ۲۰۱۵). به عنوان بخشی از دلایل، ضرورت ها و فواید مطالعه در جامعه کنونی می‌توان به رهایی انسان از زندان تاریک جهل، گسترش افق دید وی و تصمیم‌گیری به دور از شتاب زدگی، پیدا کردن راه‌حل‌های مختلف برای مشکلات، برقراری ارتباط با دیگران، افزایش اعتماد به نفس، آشنایی با افکار نو، سپری کردن اوقات فراغت، افزایش دانش و تسریع رشد فکری اشاره و تأکید کرد. در زمینه سواد اطلاعاتی در جامعه اطلاعاتی نیز مطالعه و خواندن اهمیت دارد. سواد اطلاعاتی، به خواندن متکی است و برای تبدیل شدن به خواننده‌ای فعال، عادت به مطالعه در سالهای اولیه زندگی و ممارست کافی لازم است (کمبر^۳، ۲۰۱۶). انتخاب سنین پایین برای مطالعه از آن جهت اهمیت دارد که در این سنین افراد اولین تجربه‌های خواندن را می‌گذرانند و این تجربه‌های اولیه از خواندن، تأثیر بسزایی بر روند ادامه آن در طول زندگی و بزرگسالی شان دارد. این که بدانیم دانش آموزان، خواندن چه چیزهایی را دوست دارند و چرا می‌خوانند؛ چه چیزهایی، چه دلایلی و چه شرایطی آنان را به سوی خواندن سوق می‌دهد و آنان را به خوانندگان همیشگی و وفادار تبدیل می‌کند، برای جامعه مدرن بسیار مهم است. شاید همه این موارد را بتوان در بررسی انگیزه‌های آنان از خواندن درک کرد (هیرسن^۴ و همکاران، ۲۰۱۶). انگیزه، محرک اصلی فرد برای خواندن است. این عامل که نقش تحریک کننده دارد، در کسب عادت به مطالعه و تغییر در عاداتهای معمول زندگی، اهمیت زیادی دارد؛ تا آنجا که به نظر «لاین برگر»، یکی از مراحل تغییر در عادت، انگیزه است (استیگر^۵، ۲۰۰۶، ص. ۴۵). با تحلیل این انگیزه‌ها و توجه به عوامل درونی و بیرونی که بر این انگیزه‌ها مؤثر است، می‌توان به حقایقی پی برد که ما را در برنامه‌ریزی‌ها و استفاده از

^۱ Dalal

^۲ Gartmeier et al

^۳ Kember

^۴ Haerens

^۵ Stiger

رابطه مهارت های ارتباطی معلمان با انگیزه به مطالعه در دانش آموزان ابتدایی کلاس ششم منطقه چهار تهران ۳۳

راهکارهای مختلف در این زمینه برای گروه‌های مختلف سنی و جنسی، مقاطع گوناگون تحصیلی، وضعیت‌های اقتصادی - اجتماعی مختلف، موقعیت‌های درسی گوناگون و ... یاری می‌دهد (تقی پناهی، ۱۳۸۷).

از آنجا که معلمان افرادی هستند که هم خواندن (ابزار مطالعه) را به فرد می‌آموزند و هم از نزدیک - ترین و مرتبط‌ترین افراد در ارتباط با مطالعه‌های نخستین دانش‌آموزان هستند بدون شک رفتار و کردار آنها می‌تواند بر نگرش دانش‌آموزان نسبت به مطالعه تاثیرگذار باشد. به عبارت دیگر، رفتار معلمان نه تنها در نگرش دانش‌آموزان نسبت به مطالعه مهم است بلکه موفقیت هر نظام آموزشی در حد تعیین کننده‌ای به دانش و مهارت های حرفه ای معلم بستگی دارد. در نظر ژاپنی ها شایستگی هر کشوری به اندازه شایستگی معلمان آن جامعه است و از این رو، می توان گفت معلم، مهم‌ترین عضو نظام آموزشی در فرایند یاددهی-یادگیری و معمار اصلی نظام آموزشی است (نادری و همکاران، ۱۳۸۹). از این رو، دست اندرکاران نظام های آموزشی بر این نکته تأکید می ورزند که می توان با به کارگیری ابزارهای اطلاعاتی روزآمد، قابلیت ها و شایستگی‌های متناسب با نوآوری ها را در معلمان به وجود آورد (دایی زاده، ۱۳۸۵). به طور حتم هدف نهایی از این ارتقاء در شایستگی‌ها و قابلیت‌های معلمان نه خود آنان بلکه دانش‌آموزان و آینده جامعه است. بنابراین می‌توان گفت که همه ویژگی‌های معلم می‌تواند در رفتارها و نگرش دانش‌آموزان تاثیرگذار باشد. لذا در آرمان هایی که از سوی صاحب نظران برای نظام های تعلیم و تربیت مطرح می شود، از معلم به عنوان نقطه اتکای هر تغییر و تحولی یاد می‌شود (مهرمحمدی، ۱۳۷۹) و وظیفه اصلی معلم را تبدیل فرد به شهروندی جهانی می‌دانند؛ شهروندی که متعلق به جامعه بین الملل در حال شدن است (درانی، ۱۳۸۴).

همچنان که ذکر شد از یک سو مطالعه و عادت به آن در دانش‌آموزان برای زندگی در دنیای مدرن یا عصر انفجار اطلاعات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از سویی دیگر رفتار و مهارت‌های معلمان به عنوان نزدیک‌ترین افراد به دانش‌آموزان در اولین تجارب مطالعه‌ای آنان نقش بسزایی دارد. یکی از بارزترین ویژگی‌های معلمان در انتقال دانش و سبک زندگی به دانش‌آموزان، مهارت‌های ارتباطی آنان است. به نظر می‌رسد هر کدام از این مهارت‌ها که در حوزه‌های بیان کردن، گوش دادن و بازخورددهی مورد نظر هستند می‌توانند در رفتارهای دانش‌آموزان نقش داشته باشند. از این رو اکنون این سوالات مطرح است که رابطه مهارت بیان معلمان با انگیزه به مطالعه در دانش‌آموزان چگونه است؟ این ارتباط در حوزه مهارت‌های گوش دادن و بازخورددهی چگونه است؟ به طور کلی رابطه مهارت‌های ارتباطی معلمان با انگیزه به مطالعه در دانش‌آموزان چگونه است؟

تحقیقات متعددی در این زمینه توسط پژوهشگران بسیاری (سیمیریان و همکاران، ۱۳۹۵؛ جعفری و آزمون، ۱۳۹۵؛ بیگدلی و همکاران، ۱۳۹۵؛ عجم، ۱۳۹۴؛ اشرفی و منجزی، ۱۳۹۲؛ کانا، ۲۰۱۵؛ گارتمیر و همکاران، ۲۰۱۵؛ انگ و همکاران، ۲۰۱۳؛) به شرح زیر انجام شده است:

- سیمیریان و همکاران (۱۳۹۵) با هدف بررسی تاثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی بر کاهش اضطراب اجتماعی و بهبود روابط بین فردی دانش آموزان به انجام تحقیق پرداختند. نتایج نشان داد که بین میانگین نمرات اضطراب اجتماعی و روابط بین فردی در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی داری مشاهده شد. یا به عبارتی برنامه آموزش مهارت‌های ارتباطی می‌تواند در کاهش اضطراب اجتماعی و بهبود روابط بین فردی موثر باشد.

- جعفری و آزمون (۱۳۹۵) با هدف بررسی ارتباط بین فناوری اطلاعات با مدیریت دانش و مهارت‌های ارتباطی معلمان تحقیقی را صورت دادند. نتایج تحقیق نشان داد ارتباط معناداری بین فناوری اطلاعات با مدیریت دانش و مولفه‌های آن در معلمان تربیت‌بدنی وجود دارد. ارتباط معنی داری بین فناوری اطلاعات با مولفه‌های شنودی و بازخوردی مهارت‌های ارتباطی معلمان تربیت‌بدنی وجود دارد. همچنین فناوری اطلاعات به طور معنی داری بر مدیریت دانش و مهارت‌های ارتباطی تأثیر دارد. با توجه به نتایج تحقیق، به منظور افزایش مدیریت دانش و مهارت‌های ارتباطی معلمان تربیت‌بدنی، توجه به فناوری اطلاعات ضروری به نظر می‌رسد.

- بیگدلی و همکاران (۱۳۹۵) پژوهشی با هدف تعیین اثر بخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین با الگوی یادگیری جانشینی بر بهبود روابط مادر-دختر انجام دادند. و به این نتیجه رسیدند که، مهارت ارتباطی ضعیف در والدین منجر به پرخاشگری (کلامی و جسمانی)، کاهش راهبردهای استدلال و به طور کلی تعارض در فرزندان با والدین شود.

- عجم (۱۳۹۴) پژوهشی را با هدف بررسی نقش خودکارآمدی تحصیلی و مهارت‌های ارتباطی بین فردی دانشجویان در ارزشیابی مبتنی بر آموزش تلفیقی انجام داد. نتایج نشان داد دانشجویان دیدگاه موافق و کاملاً موافقی با ارزشیابی مبتنی بر آموزش تلفیقی داشتند و نتایج آزمون t تک نمونه‌ای معنی دار بود. بین مهارت‌های ارتباطی بین فردی دانشجویان با توجه به رشته تحصیلی آنان تفاوت معنی داری مشاهده شد. متغیرهای مهارت‌های ارتباطی و خودکارآمدی متغیرهایی بودند که دیدگاه دانشجویان نسبت به ارزشیابی مبتنی بر آموزش تلفیقی را پیش بینی می‌کردند. در نتیجه مهارت‌های ارتباطی بین فردی و خودکارآمدی دانشجویان در ارزشیابی مبتنی بر آموزش تلفیقی نقش دارد.

- اشرفی و منجزی (۱۳۹۲) طی تحقیقی با عنوان «اثر بخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر میزان پرخاشگری دانش آموزان دختر دوره متوسطه» به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های

رابطه مهارت های ارتباطی معلمان با انگیزه به مطالعه در دانش آموزان ابتدایی کلاس ششم منطقه چهار تهران ۳۵

ارتباطی بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان دختر دوره متوسطه در پس آزمون و پیگیری موثر بوده است. نتایج درباره زیرمقیاس های پرخاشگری نشان داد که آموزش مهارت های ارتباطی در ابعاد خشم و عصبیت، تهاجم و توهین و لجاجت و کینه توزی نیز موثر بوده است.

یافته تحقیق تحت عنوان بررسی مهارت های ارتباطی معلمان در دوره های قبل از خدمت در کشور کانا^۱ (۲۰۱۵) بدین شرح می باشد: که مهارتهای معلمان در سه حوزه بود: مهارتهای ارتباطی رفتاری، مهارتهای ارتباطی شناختی و مهارتهای ارتباطی احساسی (هیجانی). یافته های تحقیق حاکی از این بود که این مهارتها بسته به جنسیت و یا سطح کلاسی معلمان اختلاف معناداری باهم دارد اما براساس سن و مقطع تحصیلی تفاوتی به هم ندارد. همچنین اثر این مهارتها بر میزان یادگیری و خروجی نمره دانش آموزان به طور معناداری تاثیرگذار بود.

- گارتمیر و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان پرورش مهارت های ارتباطی حرفه ای در پزشکان و معلمان: اثرات آموزش الکترونیکی با موارد ویدئویی و بازی کردن نقش دریافتند که آموزشهای الکترونیکی به تنهایی موثر نیستند و نیازست روش آموزش به صورت ترکیبی باشد. بدین معنا که در ارتباط های کلاسی چیزی بیش از مطالب کلاسی و درسی سبب اثربخشی آموزش می شود و آن وجود معلم و مهارتهای ارتباطی اوست.

- آنگ^۲ و همکاران (۲۰۱۳) در بررسی مهارتهای ارتباطی معلمان دریافتند که این مهارتها در معلمان بویژه در بخش بیان نیاز به ارتقاء و بهبود دارد و نقص یا حتی عدم تسلط کامل به مهارت ارتباطی خوب بیان کردن می تواند تاثیرات منفی عمده ای بر نتایج کار آنها در ارتباط با دانش آموزان داشته باشد.

روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر، با توجه به موضوع، فرضیات و اطلاعات مربوط به آن به صورت توصیفی بوده و از نوع همبستگی می باشد. این تحقیق از نظر هدف، جزء تحقیقات کاربردی است که به شیوه تحقیقات میدانی به جمع آوری داده ها پرداخت.

جامعه آماری تحقیق شامل معلمان و دانش آموزان ابتدایی کلاس ششم منطقه ۴ تهران می باشد. بدین منظور از میان ۱۶۰ معلم و ۱۷۰۰ دانش آموز ابتدایی کلاس ششم منطقه ۴ تهران برای نمونه گیری و بر اساس جدول مورگان تعداد ۴۰۰ نفر (۳۰۰ دانش آموز و ۱۰۰ معلم) به روش تصادفی انتخاب شدند.

^۱ Kana

^۲ ONG

در این پژوهش ابزار گردآوری اطلاعات پیرامون مهارت‌های ارتباطی معلمان، پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی بارتون جی. ای (۱۹۹۰) بود. روایی و پایایی پرسشنامه مهارت‌های ارتباطی بارتون در مطالعه شاکری زنگیر (۱۳۹۳) تأیید شده است و در پژوهش حاضر، پایایی پرسشنامه براساس ضریب آلفا کرونباخ ۰/۷۴ تأیید شد.

برای بررسی انگیزه به مطالعه از پرسشنامه محقق ساخته ۴۰ سوالی استفاده شد. این پرسشنامه مطالعه را در دو حیطه کتاب‌های درسی و غیردرسی مورد بررسی بود. برای روایی پرسشنامه حاضر از ۶ نفر متخصصین خواسته شد که آن را مطالعه کرده و نظرشان را اعلام کنند. پس از برخی تعدیلات روایی پرسشنامه از سوی متخصصین تأیید شد. در بررسی پایایی پرسشنامه حاضر هم از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۴ استفاده شد. ۲۰ پرسشنامه بین افراد توزیع شد و پس از جمع‌آوری آنها از طریق آلفای کرونباخ به بررسی پایایی پرداخته شد. آلفای کلی پرسشنامه هم ۰/۷۴۳ بود که اعتبار بالای پرسشنامه را نشان می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

فرضیه اصلی تحقیق:

بین مهارت‌های ارتباطی معلمان با انگیزه به مطالعه در دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. با توجه به جدول ۱ ارتباط بین مهارت‌های ارتباطی معلمان با انگیزه مطالعه درسی دانش‌آموزان یک رابطه مستقیم قوی ($r=0/624$) است که از نظر آماری یک ارتباط معنادار ($p=0/000$) است، اما ارتباط بین مهارت‌های ارتباطی معلمان با انگیزه مطالعه غیردرسی دانش‌آموزان یک رابطه بسیار ضعیف ($r=0/034$) است که از نظر آماری یک ارتباط معنادار ($p=0/734$) نیست. در مجموع هم ارتباط بین مهارت‌های ارتباطی معلمان با متغیر انگیزه مطالعه دانش‌آموزان یک رابطه مستقیم نسبتاً قوی ($r=0/431$) است که از نظر آماری یک ارتباط معنادار ($p=0/000$) است. بنابراین در مجموع فرضیه تحقیق مبنی بر رابطه معنادار بین مهارت‌های ارتباطی معلمان با متغیر انگیزه مطالعه دانش‌آموزان تأیید می‌شود و فرض صفر مبنی بر عدم وجود چنین رابطه‌ای، رد شد. در این فرضیه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول ۱: نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فرضیه اصلی تحقیق

میزان معناداری	ضریب همبستگی	مؤلفه/متغیر
۰/۰۰۰	۰/۶۴۲	مهارت‌های ارتباطی - انگیزه مطالعه درسی
۰/۷۳۴	۰/۰۳۴	مهارت‌های ارتباطی - انگیزه مطالعه غیردرسی
۰/۰۰۰	۰/۴۳۱	مهارت‌های ارتباطی - انگیزه مطالعه

رابطه مهارت های ارتباطی معلمان با انگیزه به مطالعه در دانش آموزان ابتدایی کلاس ششم منطقه چهار تهران ۳۷

در این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد، و نتایج آن عبارتست از: بین مهارت ارتباطی معلمان با انگیزه به مطالعه در دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه اصلی تحقیق تایید و فرضیه صفر تحقیق که به عدم این رابطه دلالت داشت، رد شد. این یافته به این معناست که هرچه مهارت های ارتباطی معلمان بالاتر باشد انگیزه مطالعه در دانش آموزان بیشتر خواهد شد. این یافته با نتایج اشرفی و منجزی (۱۳۹۲)، کارتمیرو همکاران (۲۰۱۵)، سیمیریان و همکاران (۱۳۹۵)، حسینی و همکاران (۱۳۹۲) و کانا (۲۰۱۵) همخوانی دارد. و با نتایج تحقیق نظری و همکاران (۱۳۹۱) ناهمخوانی و مغایرت دارد.

فرضیه اول: بین مهارت ارتباطی بیان معلمان با انگیزه به مطالعه در دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد. با توجه به جدول ۲ ارتباط بین مؤلفه بیان معلمان با انگیزه مطالعه درسی دانش آموزان یک رابطه مستقیم ($r=0/553$) است که از نظر آماری یک ارتباط معنادار ($p=0/000$) است، اما ارتباط بین مؤلفه بیان معلمان با انگیزه مطالعه غیردرسی دانش آموزان یک رابطه بسیار ضعیف ($r=0/019$) است که از نظر آماری یک ارتباط معنادار ($p=0/850$) نیست. در مجموع هم ارتباط بین مؤلفه بیان معلمان با متغیر انگیزه مطالعه دانش آموزان یک رابطه مستقیم ($r=0/312$) است که از نظر آماری یک ارتباط معنادار ($p=0/002$) است. بنابراین در مجموع فرضیه تحقیق مبنی بر رابطه معنادار بین مؤلفه بیان معلمان با متغیر انگیزه مطالعه دانش آموزان تایید می شود و فرض صفر مبنی بر عدم وجود چنین رابطه ای، رد می شود.

جدول ۲، نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فرضیه اول

مؤلفه/متغیر	ضریب همبستگی	میزان معناداری
بیان- انگیزه مطالعه درسی	۰/۵۵۳	۰/۰۰۰
بیان- انگیزه مطالعه غیردرسی	۰/۰۱۹	۰/۸۵۰
بیان- انگیزه مطالعه	۰/۳۱۲	۰/۰۰۲

این یافته با نتایج سیمیریان و همکاران (۱۳۹۵)، حسینی و همکاران (۱۳۹۲) و کانا (۲۰۱۵) همخوانی دارد.

این یافته با نتایج تحقیقات جعفری و آزمون (۱۳۹۵) و نظری و همکاران (۱۳۹۱) ناهمخوانی و مغایرت دارد.

این ارتباط معنادار تنها در حیطه درسی معنادار بود و در حیطه غیردرسی اصلاً ارتباط معناداری بین مهارت بیان معلمان و انگیزه مطالعه وجود نداشت. پس یا معلمان از قدرت و مهارت بیان شان در خصوص مطالعه غیردرسی استفاده نکرده و توجه ندارند، یا اینکه معلمان می خواهند که به حیطه

غیردرسی هم اهمیت دهند اما قدرت و مهارت بیان معلمان در حیطه ایجاد انگیزه مطالعه غیر درسی اثری ندارد.

فرضیه دوم: بین مهارت ارتباطی گوش دادن معلمان با انگیزه به مطالعه در دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد با توجه به جدول ۳ ارتباط بین مؤلفه گوش دادن معلمان با انگیزه مطالعه درسی دانش‌آموزان یک رابطه مستقیم ($r=0/167$) است، اما از نظر آماری در سطح آلفای $0/05$ (پنج صدم) یک ارتباط معنادار ($p=0/091$) نیست. همچنین ارتباط بین مؤلفه گوش دادن معلمان با انگیزه مطالعه غیردرسی دانش‌آموزان یک رابطه بسیار ضعیف ($r=-0/009$) است که باز هم از نظر آماری یک ارتباط معنادار ($p=0/926$) نیست. در مجموع هم ارتباط بین مؤلفه گوش دادن معلمان با متغیر انگیزه مطالعه دانش‌آموزان یک رابطه مستقیم ($r=0/116$) است که از نظر آماری یک ارتباط معنادار ($p=0/251$) نیست. بنابراین در مجموع فرضیه تحقیق مبنی بر رابطه معنادار بین مؤلفه گوش دادن معلمان با متغیر انگیزه مطالعه دانش‌آموزان رد می‌شود و فرض صفر مبنی بر عدم وجود چنین رابطه‌ای، پذیرفته می‌شود.

جدول ۳: نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فرضیه دوم

مؤلفه/متغیر	ضریب همبستگی	میزان معناداری
گوش دادن - انگیزه مطالعه درسی	0/167	0/097
گوش دادن - انگیزه مطالعه غیردرسی	-0/009	0/926
گوش دادن - انگیزه مطالعه	0/116	0/251

این یافته با نتایج تحقیقات نظری و همکاران (۱۳۹۱) و تقی‌پناهی و دیانی (۱۳۸۷) همخوانی دارد. این یافته با نتایج تحقیقات نتایج سیمیاریان و همکاران (۱۳۹۵)، حسینی و همکاران (۱۳۹۲) و کانا (۲۰۱۵) ناهمخوانی و مغایرت دارد.

احتمالاً وجود تعداد دانش‌آموزان زیاد در یک کلاس (بیش از ۳۰ نفر)، امکان ارتباط دوطرفه را از معلمان گرفته و بیشتر آنها را متکلم ساخته است. در نتیجه شاید به ندرت فرصتی برای دانش‌آموزان در جهت گفت و گو با معلم فراهم شود که احتمالاً آن هم در قالب یک سوال درسی باشد و نه موضوعی در خصوص مطالعه و انگیزه آن.

فرضیه سوم: بین مهارت ارتباطی بازخورددهی معلمان با انگیزه به مطالعه در دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد. با توجه به جدول ۴، ارتباط بین مؤلفه بازخورددهی معلمان با انگیزه مطالعه درسی دانش‌آموزان یک رابطه مستقیم ($r=0/459$) است که از نظر آماری یک ارتباط معنادار ($p=0/000$) است، اما ارتباط بین مؤلفه بازخورددهی معلمان با انگیزه مطالعه غیردرسی دانش‌آموزان یک رابطه بسیار ضعیف ($r=0/053$) است که از نظر آماری یک ارتباط معنادار ($p=0/601$) نیست. در مجموع هم ارتباط

رابطه مهارت های ارتباطی معلمان با انگیزه به مطالعه در دانش آموزان ابتدایی کلاس ششم منطقه چهار تهران ۳۹

بین مؤلفه بازخورددهی معلمان با متغیر انگیزه مطالعه دانش آموزان یک رابطه مستقیم ($r=0/364$) است که از نظر آماری یک ارتباط معنادار ($p=0/000$) است. بنابراین در مجموع فرضیه تحقیق مبنی بر رابطه معنادار بین مؤلفه بازخورددهی معلمان با متغیر انگیزه مطالعه دانش آموزان تایید می شود و فرض صفر مبنی بر عدم وجود چنین رابطه ای، رد می شود.

جدول ۴: نتایج ضریب همبستگی پیرسون در فرضیه سوم

مؤلفه/متغیر	ضریب همبستگی	میزان معناداری
بازخورددهی - انگیزه مطالعه درسی	۰/۴۵۹	۰/۰۰۰
بازخورددهی - انگیزه مطالعه غیر درسی	۰/۰۵۳	۰/۶۰۱
بازخورددهی - انگیزه مطالعه	۰/۳۶۴	۰/۰۰۰

این یافته با نتایج سیمیریان و همکاران (۱۳۹۵)، حسینی و همکاران (۱۳۹۲)، اشرفی و منجزی (۱۳۹۲) و گارتمیر و همکاران (۲۰۱۵) همخوانی دارد.

این یافته با نتایج تحقیق نظری و همکاران (۱۳۹۱) ناهمخوانی و مغایرت دارد.

یکی از مطالب مهم این یافته که می تواند برای معلمان هم مهم باشد این است که ارتباط بازخورددهی با انگیزه مطالعه دانش آموزان بیش از ارتباط مهارت بیان معلمان با انگیزه مطالعه بود. این در حالی است که میزان بازخورددهی هم به لحاظ میانگین از میزان بیان کمتر بود. پس بازخورددهی از مولفه های مرتبط با انگیزه مطالعه هست که بویژه برای مردان که نشان دادند بیان ضعیف تر دارند می توانند از آن بهره گیرند.

براساس یافته های پژوهش در مقاله حاضر پیشنهادات زیر ارائه میشود:

- یکی از مطالب مهم تحقیق حاضر که می تواند برای معلمان هم مهم باشد این است که ارتباط بازخورددهی با انگیزه مطالعه دانش آموزان بیش از ارتباط مهارت بیان معلمان با انگیزه مطالعه دانش آموزان بود. این در حالی است که میزان بازخورددهی هم به لحاظ میانگین از میزان بیان و کلام کمتر بود. پس بازخورددهی از مولفه های مرتبط با انگیزه مطالعه هست که بویژه در مردان با بیان ضعیف تر می تواند در جهت ارتقاء انگیزه مطالعه بکار گرفته شود.
- دیده شد که در هر دو گروه دختران و پسران انگیزه مطالعه غیردرسی پایین تر از درسی بود. از آنجا که دانش آموزان شرکت کنندگان تحقیق حاضر کلاس ششم بودند، انگیزه بیشتر در مطالعه درسی می تواند ناشی از اجبار تکلیفی مدرسه و خانواده باشد، اما در بخش غیردرسی که اجباری وجود ندارد میانگین پایین

- بود. این امر نشان دهنده شکل‌گیری غلط‌الگوی مطالعه از سنین پایین است. به عبارت دیگر شیوه زندگی و آموزش سبب می‌شود مطالعه بیشتر جنبه درسی داشته باشد. پیشنهاد می‌شود از معلمان خواسته شود مهارت‌های ارتباطی‌شان را در زمینه مطالعه غیردرسی دانش‌آموزان نیز به کار گیرند.
- ارتباط معنادار مهارت‌های ارتباطی معلمان با انگیزه مطالعه دانش‌آموزان نشان دهنده اهمیت مهارت‌های ارتباطی معلمان در زندگی تحصیلی و اجتماعی دانش‌آموزان است. به دلیل اهمیت امر پیشنهاد می‌شود در دوره‌های ضمن خدمت فرهنگیان کلاس‌هایی در جهت ارتقاء و بهبود کیفیت مهارت‌های ارتباطی معلمان گنجانده شود.
- در بررسی جزئی ارتباط مهارت بیان معلمان با انگیزه مطالعه دانش‌آموزان در دو حیطه درسی و غیردرسی دیده شد که این ارتباط معنادار تنها در حیطه درسی وجود دارد و در حیطه غیردرسی اصلاً ارتباط معناداری بین این دو وجود ندارد. پیشنهاد می‌شود علل اصلی این امر مورد پژوهش قرار گیرد.
- یکی از نکاتی که در فرضیه اصلی و کلی تحقیق دیده شد این بود که سطح ارتباط دو متغیر در حالت کلی بیش از همه مولفه‌های آن بود. به عبارت دیگر، نتایج نشان داد مهارت‌های ارتباطی چیزی بیش از سه مولفه مدنظر است. پیشنهاد می‌شود علل اصلی این امر مورد پژوهش علمی قرار گیرد.
- یافته‌ها نشان داد که میانگین نمرات مؤلفه بیان در زنان بیشتر از مردان است اما در مهارت بازخورددهی دو گروه تقریباً به هم نزدیک بودند. بر اساس این یافته‌ها و همچنین از آنجا که عمده بازخورد معمولاً از طریق بیان صورت می‌گیرد می‌توان نتیجه گرفت که معلمان مرد با وجود سطح بیان پایین‌تر، در بازخورددهی به شیوه‌ای بهتر یا مفیدتر از زنان عمل کرده‌اند که توانسته‌اند به یک میانگین یکسانی در بازخورددهی برسند. این موضوع که معلمان مرد از چه شیوه‌ای برای بازخورددهی استفاده کرده‌اند که مفیدتر بوده است می‌تواند مدنظر تحقیق‌های آینده قرار گیرد.

رابطه مهارت های ارتباطی معلمان با انگیزه به مطالعه در دانش آموزان ابتدایی کلاس ششم منطقه چهار تهران ۴۱

منابع:

- استیگر، رالف سی (۱۳۷۷). راههای تشویق به مطالعه؛ ترجمه پروانه ستوده، تهران: هیئت امنای کتابخانه های عمومی کشور.
- بیگدلی ایمان الله، صفری هادی و محمدی علی جعفر (۱۳۹۵). اثر بخشی آموزش مهارت های ارتباطی به والدین با الگوی یادگیری جانیشینی بر بهبود روابط مادر-دختر در دانش آموزان دختر پایه سوم مقطع راهنمایی شهریار. نشریه روان شناسی بالینی، شماره ۷.
- بیگدلی زاهد، الهام پور حسین، باجی فاطمه (۱۳۸۶). بررسی گرایش های موضوعی مطالعه در دانش آموزان دوره راهنمایی شهر اهواز و مقایسه آن با توزیع موضوعی کتاب های مناسب دانش آموزان این دوره، نشریه مطالعات تربیتی و روان شناسی: ۱۳۸۶، دوره ۸، شماره ۳، از صفحه ۵۵ تا صفحه ۷۴.
- تقی پناهی فاطمه و دیانی محمدحسین (۱۳۸۷). بررسی عوامل موثر بر انگیزه های مطالعه در دانش آموزان ابتدایی و راهنمایی، فصل نامه کتابداری و اطلاع رسانی، سال یازدهم، شماره ۳ (پیاپی ۴۳).
- جعفری سلمان و آزمون جواد (۱۳۹۵). ارتباط بین فناوری اطلاعات با مدیریت دانش و مهارت های ارتباطی معلمان تربیت بدنی. فصلنامه علمی-ترویجی مدیریت ارتباطات در رسانه های ورزشی، ۳(۱۱)، ۱-۱۰.
- حاجی زاده، حامد (۱۳۸۴). "بررسی تاثیر ارتباطات اثربخش بر کارایی کارکنان گروه صنعتی فارس"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- حسینی نسب سیدداوود و عظیمی کهن خاطره (۱۳۹۲). بررسی وضعیت مهارت های ارتباطی کارکنان اداری و رابطه آن با رضایت ارباب رجوع (معلمان) آموزش پرورش. نشریه آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی): پاییز ۱۳۹۲، دوره ۶، شماره ۲۳؛ از صفحه ۱۳ تا صفحه ۳۰.
- دایی زاده، حسین (۱۳۸۵). بررسی میزان آشنایی معلمان دوره متوسطه با مبانی برنامه ریزی درسی و اصول یادگیری، رساله دوره دکتری برنامه ریزی درسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.
- درانی کمال، صابری قاسم (۱۳۹۰). رویکرد جامعه شناسی به مهارت های ارتباطی معلمان روستایی در منطقه ارشق، نشریه توسعه محلی، مقاله ۵، دوره ۳، شماره ۱، تابستان و پاییز ۱۳۹۰، صفحه ۸۵-۱۰۶.
- سیمبیریان کوثر، سیمبیریان قاسم و تدریس تبریزی معصومه (۱۳۹۵). بررسی تاثیر آموزش مهارت های ارتباطی بر کاهش اضطراب اجتماعی و بهبود روابط بین فردی دانش آموزان دختر رشته ریاضی فیزیک پایه سوم دبیرستان های شهر تهران. فصلنامه پژوهش های کاربردی در روان شناسی تربیتی.
- شاکری زنگیر، ابراهیم (۱۳۹۳). رابطه ی بین راهبردهای مدیریت تعارض و مهارت های ارتباطی مدیران با سلامت سازمانی در مدارس متوسطه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه محقق اردبیلی.
- عجم علی اکبر (۱۳۹۴). بررسی نقش خودکارآمدی تحصیلی و مهارت های ارتباطی بین فردی بر دیدگاه دانشجویان در ارزشیابی مبتنی بر آموزش تلفیقی. پژوهش در آموزش علوم پزشکی، ۷(۱)، ۳-۱۲.
- نادری عزت الله، حاجی زاد محمد، شریعتمداری علی و سیف نراقی مریم (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه مهارت های حرفه ای معلمان دروس علوم پایه و علوم انسانی دوره راهنمایی شهرستان بهشهر به منظور ارائه روش

های ارتقای کیفی این مهارت ها. فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی - سال دوم - شماره دوم - زمستان ۸۹.

- Dalal, S. (۲۰۱۵). The Impact of Teachers' Communication Skills on Teaching: Reflections of Pre-service Teachers on their Communication Strengths and Weaknesses.
- Gartmeier, M., Bauer, J., Fischer, M. R., Hoppe-Seyler, T., Karsten, G., Kiessling, C., & Prenzel, M. (۲۰۱۵). Fostering professional communication skills of future physicians and teachers: effects of e-learning with video cases and role-play. *Instructional Science*, ۴۳(۴), ۴۴۳-۴۶۲.
- Kana, F. (۲۰۱۵). Investigation of Pre-service Teachers' Communication Skills. *International Journal of Educational Researchers*, ۶(۳), ۳۴-۴۲.
- Kember, D. (۲۰۱۶). Motivation to Study. In *Understanding the Nature of Motivation and Motivating Students through Teaching and Learning in Higher Education* (pp. ۶۳-۷۷). Springer Singapore.
- ONG, E. G., Lim, C. S., & Ghazali, M. (۲۰۱۳). Enhancing Communication Skills in Mathematics Teachers through the Lesson Study Collaboration: A Pilot Study.